

بررسی تطبیقی رویکرد فریقین به علم با محوریت کتاب فضل العلم کافی و العلم صحیح بخاری

جواد عارف* سهیلا پیروزفر** غلامرضا رئیسیان***

چکیده

الکافی و صحیح بخاری دو جامع برتر حدیث از هر یک از فریقین است. این نوشتار در پی تبیین و تطبیق روایات دو کتاب *فضل العلم کافی و العلم بخاری* با نگاه رویکردشناختی است. اگرچه نگارنده بر اساس روش‌های آکادمیک تحلیل محتوا فرایند پژوهش را ترسیم کرده است، به نظر می‌رسد تحقیق حاضر را بتوان در عداد پژوهش‌های داده‌بنیاد^۱ قرار داد. نگارنده پس از مطالعه و بررسی تک تک روایات دو کتاب به استخراج نمایه‌های متعدد از هر روایت پرداخته و سپس با دسته‌بندی و یکپارچه‌سازی و استخراج فراوانی هریک از آن‌ها، محورهای کلی پژوهش را در قالب هشت محور تعیین نموده است. مقایسه‌ی توصیفی تطبیقی میان روایات دو کتاب بر اساس محورهای کلی و در نهایت نیز تحلیل و نتیجه‌گیری گام‌های پایانی تحقیق است. نگارنده ضمن تبیین رویکرد فریقین به مقوله‌ی علم در صدد اثبات نگرش جامع و دقیق کلینی به هندسه‌ی موضوعی روایات برگزیده در باب *فضل العلم* در مقایسه با *العلم* است.

واژگان کلیدی: ۱. علم، ۲. کافی کلینی، ۳. صحیح بخاری، ۴. کتاب *فضل العلم*، ۵. رویکردشناسی تطبیقی، ۶. روایات فریقین.

۱. مقدمه

امکانات و دسترس‌های نو در فناوری اطلاعات فرصتی مغتنم برای مطالعات تطبیقی در علوم از ابعاد و زوایای گوناگون است. مطالعات رویکردشناسانه که نیازمند اطلاعات و داده‌های آماری دقیق است، بیشترین بهره را از این فرصت خواهد برد؛ به نحوی که با کنار هم گذاشتن نتایج حاصل از فناوری، می‌توان به دستاوردهای جدیدی رسید که علی‌رغم تلاش‌های عالمانه و مجدانه دانشمندان پیشین به دست نیامده است.

aref.javad@yahoo.com
spirozfar@um.ac.ir
Raeisian42@yahoo.com

*دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد
** دانشیار دانشکده‌ی الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد
*** استادیار دانشکده‌ی الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد

بازشناسی تطبیقی آثار و میراث‌های کهن حدیث نیز از این قاعده مستثنا نیست و با شناخت درست و همه‌جانبه‌ی آن‌ها می‌توان به یافته‌هایی ارزشمند و نو در زمینه‌ی علوم حدیث دست یافت.

با توجه به جایگاه کافی در میان محدثان شیعه و صحیح بخاری در میان اهل سنت به مثابه کهن‌ترین و معتبرترین جوامع حدیث، مقایسه، تطبیق، استخراج و تحلیل وجوه اشتراک و تمایز آن‌ها می‌تواند نتایج ارزشمندی در پی داشته باشد.

در این نوشتار کوشش می‌شود در حد امکان، با استفاده از متن و محتوای روایات کلینی و بخاری، در کتاب *فضل العلم* دو جامع، به بررسی رویکردشناسانه‌ی هریک در مقایسه با دیگری در موضوع علم پرداخته شود.

البته واضح است با توجه به عدم پردازش سندی روایات دو جامع، آنچه در این جا بیان می‌شود، تنها می‌تواند شامل بخشی از مطالعه‌ی تطبیقی دو جامع باشد.

۱.۱. روش تحقیق

اگرچه نگارنده بر اساس روش‌های آکادمیک تحلیل محتوا فرایند پژوهش را ترسیم کرده است، به نظر می‌رسد تحقیق حاضر را بتوان در عداد پژوهش‌های داده‌بنیاد قرار داد. پژوهش داده‌بنیاد تحقیقی است که برخوردار از فرآیندی استقرائی است و بر آن است تا نظریه را از دل داده‌هایی که در فرایند پژوهش به صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند، استخراج کند. در این پژوهش‌ها، به جای تکیه بر پژوهش‌های پیشین یا چارچوب‌های نظری موجود، به تحلیل سیستمی مستقیم بر داده‌های جمع‌آوری شده می‌پردازند (نک: فصلنامه‌ی مدیریت فرهنگ سازمانی، سال نهم، شماره‌ی بیست و سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۰، مقاله‌ی معرفی روش‌شناسی نظریه‌ی داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی، امیرحمزه مهربانی و همکاران).

نتایج پژوهش حاضر پس از گذراندن مراحل ذیل بر کلیه‌ی روایات کتاب *فضل العلم* مرحوم کلینی و همچنین روایات کتاب *علم بخاری* چنین است:

۱. مطالعه و بررسی تک تک روایات کتاب *فضل العلم* دو جامع؛
۲. استخراج نمایه‌های متعدد از هر روایت؛
۳. دسته‌بندی و یکپارچه‌سازی نمایه‌ها؛
۴. استخراج فراوانی هریک از نمایه‌ها؛
۵. تعیین محورهای کلی پژوهش؛
۶. مقایسه‌ی توصیفی تطبیقی روایات دو کتاب بر اساس محورهای کلی؛
۷. تحلیل و نتیجه‌گیری.

بررسی تطبیقی رویکرد فریقین به علم با محوریت کتاب «فضل العلم» کافی و ... ۳۶۹

از آن جایی که قصد اصلی نوشتار حاضر تبیین و تطبیق رویکرد فریقین به موضوع علم و آگاهی با محوریت دو کتاب *فضل العلم* کافی و *العلم بخاری* می‌باشد، از یک سو، به لحاظ رعایت اختصار و از سوی دیگر با عنایت به پژوهش‌های درخور توجهی که درباره‌ی دو مؤلف و دو جامع صورت گرفته است، به شرح مبسوط در باب ایشان و پرداختن به مباحث تفصیلی پیرامون دو جامع نیازی نیست و از پرداختن تفصیلی به اقوال دانشمندان و عالمان اهل تسنن و شیعه در این باب خودداری شده و مختصری به هر یک بسنده می‌شود. دلایل نگارنده از انتخاب کتاب علم برای نمونه‌ی مطالعه‌ی تطبیقی به شرح ذیل است:

۱. جایگاه و اهمیت علم در فریقین: لازمه‌ی انجام هر عمل، علم به آن است (کلینی، ۱۳۸۷، ح. ش: ۲/۱۱۲، ۷/۱۱۷، ۳/۱۱۰، ۲/۱۰۹، ۴/۴۰، ۱/۱۰۸ و ۱/۸۶). از سوی دیگر علم را فقط علم دین می‌دانند (همان، ح. ش: ۱/۴۷، ۱/۴۲۲، ح. ش: ۷۱، ۷۵).
۲. ارزش‌گذاری ویژه‌ی دو مؤلف: برای مثال کلینی در مقدمه‌اش در اهمیت علم می‌نویسد: من این تصنیف را با کتاب عقل و فضائل علم و بلندی درجه و ارجمندی دانشمندان و نقص جهل و پستی و بی‌ارزشی جاهلان شروع می‌کنم؛ زیرا عقل محوری است که مدار همه چیز بر آن است و سود و زیان و ثواب و کیفر متوجه اوست (مقدمه‌ی *الکافی*).
۳. واکاوی و تبیین دقیق مقوله‌ی علم می‌تواند همچون یکی از زیرساخت‌های اصلی پیشرفت هر جامعه قابل استفاده باشد.

۲. معرفی و مقایسه‌ی دو جامع حدیث (کافی و بخاری)

۱. محمد بن یعقوب کلینی

ثقة الاسلام ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، معروف به کلینی یا شیخ کلینی، در سده‌ی سوم هجری در یکی از روستاهای ری قدیم به نام کلین (در ۳۸ کیلومتری شهر ری) در خانواده‌ای علمی چشم به جهان گشود. زمان دقیق ولادت او مشخص نیست؛ اما قراین تاریخی نشان می‌دهد که در ابتدای نیمه‌ی دوم قرن سوم و با فاصله‌ی کوتاهی قبل یا پس از ولادت امام زمان (عج)، یعنی در حدود سال ۲۵۵ ولادت یافته و به احتمال زیاد بخشی از حیات امام حسن عسکری (ع) را درک کرده است (العمیدی، صص: ۷۵ - ۷۶).

وی هم‌عصر چهار سفیر و نماینده‌ی خاص حضرت مهدی (عج) بوده و با توجه به درک عصر حضور ائمه، احادیث و اخبار را از منابع اصلی بر گرفته است. در ستایش مرحوم کلینی، نقل‌های مختلفی از عالمان رسیده است (العمیدی،

۳۷۰ مجموعه مقالات نخستین همایش اهل بیت (ع) و تولید علم

صص: ۱۴۰-۱۴۳). در میان اهل سنت نیز عظمت او به قدری است که ابن اثیر ضمن نقل روایتی از پیامبر اکرم (ص) کلینی را یک احیاکننده‌ی دین می‌داند (ابن الاثیر، ج ۱، ص: ۳۱۹). وی سرانجام در سال ۳۲۹ هجری در بغداد چشم از جهان فرو بست (النجاشی، ج ۲، ص: ۲۹۲).

۲.۲. الکافی

کتاب شریف کافی نخستین کتاب جامع روایی شیعه است که مرحوم کلینی آن را در مدت ۲۰ سال (النجاشی، ج ۲، ص: ۲۹۱) با نقل ۱۶۱۹۹ حدیث، در قالب ۳۵ کتاب و ۲۲۴۳ باب گرد آورده است.

بر اساس خطبه‌ی آغازین کتاب، مرحوم کلینی کافی را به درخواست برادر ایمانی‌اش و به انگیزه‌ی نگارش کتابی جامع بدون اختلاف میان متون روایات نوشت. کتاب کافی دارای سه بخش اصول، شامل روایات اعتقادی و اخلاقی فروع، حاوی روایات فقهی روضه، شامل مباحث گوناگونی همچون خطبه‌ها و نامه‌های ائمه، مواعظ، قصص و مطالب تاریخی است.

این کتاب از بسیاری وجوه نه تنها در میان معتقدان به مفاد و محتوای آن، بلکه از دیدگاه سایر افراد و گروه‌ها، به ویژه حدیث پژوهان و حتی منتقدان آن، جایگاه منحصر به فردی دارد. از این رو طبیعی است که از همان دوره‌های نخست مورد توجه عالمان و محققان واقع شده و شرح و بسط‌ها و نقد و نظرهای گسترده‌ای درباره‌ی احادیث، اساتید و دیگر موضوعات آن صورت گیرد.

با توجه به تأثیر دوران حیات محدث در اتقان و خلوص روایات نقل شده، تألیف کافی در زمان نواب خاص امام زمان (عج) را می‌توان از امتیازات این کتاب برشمرد. با وجود عظمت و شأن این کتاب در میان دانشمندان شیعه، درباره‌ی صحت تمام احادیث آن ادعای معتنا بهی مانند ادعای اهل سنت که در باب صحاح شش گانه و به ویژه دو صحیح بخاری و مسلم قائل هستند و آن دو را پس از قرآن، برترین و صحیح‌ترین کتاب دانستند، وجود ندارد. مرحوم آیت‌الله خویی در معجم الرجال خود مستدلاً ادعای صحت تمام روایات کافی را رد کرده و به ذکر چند روایت آن که یقیناً از معصوم (ع) صادر نشده است، می‌پردازد. حتی این که گفته می‌شود کلینی به صحت تمام روایاتش شهادت داده، نپذیرفته و معتقد است این، استنباط مدعیان از سخن کلینی است (خویی، ج ۱، صص: ۸۹-۹۲).

۲.۳. محمد بن اسماعیل بخاری

ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه در ۱۳ شوال سال ۱۹۴

بررسی تطبیقی رویکرد فریقین به علم با محوریت کتاب «فضل العلم» کافی و ... ۳۷۱

هجری در خرتنگ، از روستاهای بخارا، در خانواده‌ای علمی دیده به جهان گشود. بخاری از کودکی مشغول به تحصیل نزد پدر و دیگر علما و محدثان بخارا و شهرهای همجوار شد و به موازات آموزش‌های ابتدایی، از حدود ده سالگی به حفظ و جمع‌آوری حدیث نیز پرداخت (قاسمی، صص: ۱۳ - ۱۵).

بخاری حافظه‌ای بسیار قوی داشت؛ به طوری که نقل است که هنگام اقامت در بصره، در مدت شانزده روز، بیش از پانزده هزار حدیث حفظ کرد (قاسمی، صص: ۱۷؛ ابن ابی یعلی، ج ۱، صص: ۲۷۶ - ۲۷۷).

بخاری از دیدگاه اهل سنت جایگاه برجسته‌ای دارد و ائمه‌ی حدیث در فضایل او بسیار سخن گفته‌اند؛ از جمله مسلم بر آن بود که مانند او در دنیا وجود ندارد (قاسمی، صص: ۶۲ - ۶۵).

وی در جست‌وجوی حدیث به رسم بیشتر عالمان و محدثان آن روزگار سفرهای طولانی کرد و سرانجام پس از مسافرت‌های مکرر علمی، در شب پنج‌شنبه عید فطر سال ۲۵۶ در زادگاهش دیده از جهان فرو بست (عسقلانی، صص: ۶۸۷ - ۶۸۸).

۲.۴. صحیح البخاری

کتاب *الجامع الصحیح المسند من حدیث رسول الله (ص) و سنته و ایامه* مشهور به *صحیح البخاری* موثق‌ترین و معتبرترین جامع حدیث از صحاح شش‌گانه‌ی اهل سنت به شمار آمده است.

بخاری این کتاب را به پیشنهاد استادش اسحاق بن راهویه و با انگیزه‌ی جمع‌آوری احادیث صحیح (عسقلانی، ص: ۹) ^۳.

از میان ششصد هزار حدیث طی شانزده سال (ابن ابی یعلی، ج: ۱، ص: ۲۷۶) در قالب ۹۷ کتاب و ۳۴۵۰ باب تألیف نموده است (معارف، ص: ۷۵).

علمای اهل سنت در تعداد احادیث آن اختلاف نظر دارند: ابن حجر عسقلانی به نقل از ابن صلاح تعداد احادیث غیر تکراری آن را ۴۰۰۰ و با احتساب احادیث تکراری ۷۲۷۵ حدیث نقل می‌کند و خود به تعداد ۷۳۹۷ نظر می‌دهد. البته ابن حجر با افزودن ۱۳۴۱ حدیث معلق و ۳۴۴ حدیث متابع، عدد ۹۰۸۲ حدیث را مجموع رقم احادیث صحیح بخاری اختیار می‌کند (عسقلانی، صص: ۶۵۴ - ۶۵۷).

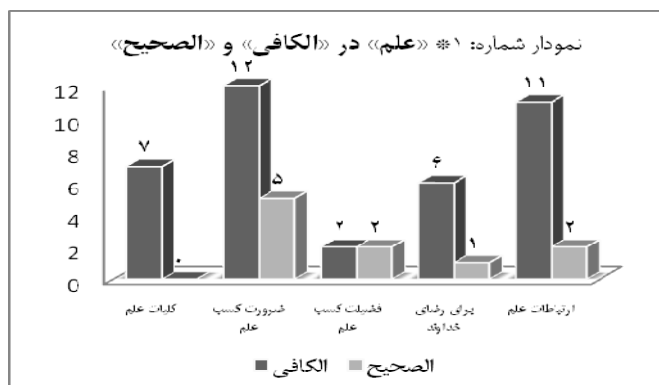
بخاری بعد از اتمام کتاب آن را به بزرگان حدیث زمان خود همانند احمد بن حنبل، علی بن مدینی، یحیی بن معین و ابوخیثمه عرضه داشت که بر صحت همه‌ی آن، به جز بر حدیث عمرو بن شعیب اعتراف نمودند. این کتاب با استقبال بسیار روبه‌رو شد و نود هزار تن آن را از بخاری شنیدند (ابن ابی یعلی، ج ۱، صص: ۲۷۳ - ۲۷۴).

صحیح بخاری نزد عالمان اهل سنت اهمیت و اعتبار خاصی دارد. به ادعای برخی، همه‌ی امت اسلامی در این امر اتفاق نظر دارند که صحیح‌ترین کتاب پس از قرآن مجید صحیح بخاری و پس از آن صحیح مسلم است (قاسمی، صص: ۲۴ - ۲۵). این درحالی است که اولاً برخی احادیث این کتاب با بدیهیات عقلی و نقلی متعارض است و ثانیاً شماری از روایان آن نیز از سوی برخی رجال اهل سنت، به ضعف، کذب، عدم اعتبار، جعل و... متهم‌اند. با تکیه بر این روایت که بخاری اندیشه‌ی تألیف صحیح را از مجلسی الهام گرفته است که در حضور اسحاق بن راهویه (در نیشابور) منعقد بوده، می‌توان تخمین زد که طرح اولیه‌ی این کتاب در سال‌های واپسین زندگانی اسحاق (م ۲۳۸ق) شکل گرفته است. همچنین با تکیه بر این گفته‌ی بخاری که طرح *الجامع الصحیح* از آغاز تا تألیف نهایی حدود شانزده سال طول کشیده است، می‌توان پایان این طرح را در اواخر سال ۲۴۰ گمانه زد (پاکتچی، مدخل بخاری، دانشنامه‌ی جهان اسلام).

۳. گزارش توصیفی تطبیقی دو کتاب

مطالعه و بررسی تک تک روایات کتاب *فضل العلم* دو جامع، استخراج نمایه‌های متعدد از هر روایت، دسته‌بندی و یکپارچه‌سازی نمایه‌ها، تعیین محورهای کلی و در پایان بررسی و تحلیل محورهای کلی، نگارنده را بر آن داشت تا مقایسه‌ی توصیفی و تطبیقی دو کتاب را در قالب محورهای علم، عالم، تعلیم، متعلم، تعلم و معلم پی بگیرد. از آن جایی که پیشوایان ما مراد از علم را علم دین می‌دانستند (کلینی، ج ۱، ص: ۴۷؛ بخاری، صص: ۷۱-۷۵)، همواره در کنار موضوع علم، به اهمیت و جایگاه قرآن و سنت به مثابه دو منبع مهم دانش پرداخته شده

است. ضرورت پرداختن به جهل یا همان فقدان علم نیز بر کسی پوشیده نیست. در ادامه، مقایسه‌ی دو کتاب بر اساس محورهای یادشده می‌آید.



۳.۱. گزارش تطبیقی محور علم در کتاب *العلم کافی* و صحیح بخاری

۳.۱.۱. علم در روایات *الکافی*: کلینی گزینش روایات خود را از اهل بیت

بررسی تطبیقی رویکرد فریقین به علم با محوریت کتاب «فضل العلم» کافی و ... ۳۷۳

معصومین در باب دانش در موضوعات زیر پی گرفته است:

تعریف علم (کلینی، ح.ش: ۱/۴۷)، تنويع آن (همان، ح.ش: ۱/۴۷، ۸/۵۴، ۱/۵۷، ۲/۵۸، ۳/۵۹ و ۴/۶۰)، فضیلت (همان، ح.ش: ۳/۴۹ و ۴/۵۰) و ضرورت کسب علم از اهل آن (همان، ح.ش: ۷/۵۳، ۱/۱۱۸) برای رضای خداوند (همان، ح.ش: ۱/۱۱۸، ۲/۱۱۹، ۳/۱۲۰، ۴/۱۲۱ و ۵/۱۲۲)، پیوستگی علم و عمل اعم از پیوستگی آن با انجام دادن هر عمل (همان، ح.ش: ۲/۱۱۲، ۷/۱۱۷، ۳/۱۱۰، ۲/۱۰۹، ۴/۴۰، ۱/۱۰۸، ۱/۸۶) یا پیوستگی عمل پس از حصول علم به آن (همان، ح.ش: ۲/۱۰۹ و ۸/۵۴، ۲/۱۱۲، ۴/۱۱۴، ۷/۱۱۷، ۲/۱۰۹، ۶/۶۶، ۴/۱۳۱).

از سوی دیگر نیز به بیان نسبت علم با فضل (همان، ح.ش: ۱/۴۷)، دین (همان، ح.ش: ۴/۴۰)، ثروت (همان، ح.ش: ۴/۴۰)، ایمان (همان، ح.ش: ۳/۱۳۰، ۱/۸۱)، حلم (همان، ح.ش: ۳/۱۳۰)، عبادت (همان، ح.ش: ۳/۶۹، ۱-۳/۶۹)، اهل بیت علیهم السلام (همان، ح.ش: ۱۵/۱۴۲) و فهم (همان، ح.ش: ۳/۶۹، ۱-۳/۶۹) پرداخته است.

۳.۱.۲. علم در روایات/الصحيح: بخاری نیز در موضوعات ذیل روایات خود را از

پیامبر (ص) و صحابه در باب دانش نقل کرده است.

اهمیت علم به قرآن (بخاری، ح.ش: ۷۵)، ضرورت (همان، ح.ش: ۷۹، ۸۷، ۶۷ و ۷۳، ۱۰۰) و فضیلت کسب آن (همان، ح.ش: ۱-۶۷، ۷۱) برای رضای خداوند (همان، ح.ش: ۶۶). همچنین این که علم مانع جهل و فتنه است (همان، ح.ش: ۸۵) و علم بشر در برابر علم نامحدود خداوند محدود است (همان، ح.ش: ۱۲۲، ۱۲۵).

۳.۲. گزارش تطبیقی محور عالم در کتاب العلم کافی و صحيح بخاری

۳.۲.۱. عالم در روایات الکافی: گزینش های کلینی در خلال روایات کتاب فضل

العلم در باب عالم را می توان به سه دسته تقسیم نمود:

۳.۲.۱.۱. جایگاه عالم: شامل منزلت عالم (کلینی، ح.ش: ۹/۵۵، ۱۰/۵۶، ۵/۵۱، ۶/۵۲، ۶/۸۰، ۱/۷۴)، اهمیت همنشینی با وی (همان، ح.ش: ۲/۸۲)، پاداش و مرتبه ی او (همان، ح.ش: ۱/۷۴)، نقش عالم در جامعه (همان، ح.ش: ۳/۷۷)، نسبتش با عابد (همان، ح.ش: ۹/۵۵، ۱۰/۵۶، ۱/۶۱)، سخت گیری بر عالم نسبت به جاهل در قیامت (همان، ح.ش: ۱/۱۲۴، ۳/۱۲۶، ۱/۱۲۴، ۲/۱۲۵) و وظیفه ی او (همان، ح.ش: ۲/۴۸، ۲/۶۲، ۱/۹۵).

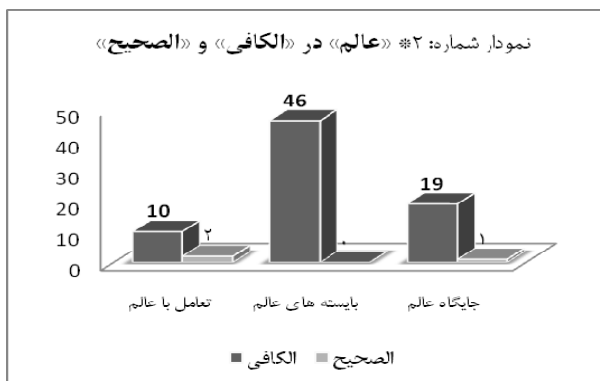
۳.۲.۱.۲. بایسته های عالم: شامل ویژگی های عالم (همان، ح.ش: ۱/۶۷، ۲/۶۸،

۴/۷۰، ۵/۷۱، ۶/۷۲، ۷/۷۳، ۳/۷۷، ۱/۹۵، ۲/۹۶، ۳/۹۷، ۳/۶۹، ۲/۴۸، ۱/۶۱، ۸/۲۱۰، ۱/۵۷، ۲/۵۸) و عالم نما (همان، ح.ش: ۷/۷۳)، عامل بودن او (همان، ح.ش: ۱/۱۱۱، ۵/۱۱۵، ۶/۱۱۶، ۲/۶۸، ۶/۱۳۳، ۳/۱۱۳)، ضرورت ثمربخش بودن علم وی (همان، ح.ش: ۹/۵۵)، نهی

۳۷۴ مجموعه مقالات نخستین همایش اهل بیت (ع) و تولید علم

از اظهار نظر ندانسته‌اش برای مردم (همان، ح.ش: ۴/۱۰۲، ۵/۱۰۳، ۶/۱۰۴، ۷/۱۰۵، ۸/۱۰۶، ۹/۱۰۷، ۱/۹۹، ۳/۱۰۱، ۱/۹۹) و تصریح عالم بر ندانستن در صورت جهل به مسأله (همان، ح.ش: ۵/۱۰۳، ۶/۱۰۴)، ضرورت مقابله‌ی وی با بدعت‌ها (همان، ح.ش: ۲/۱۶۲)، عدم تمایز گفتار با کردار (همان، ح.ش: ۴/۱۲۷)، دنیاطلب نبودن عالم (همان، ح.ش: ۱/۱۱۸، ۲/۱۱۹، ۳/۱۲۰، ۴/۱۲۱، ۵/۱۲۲، ۸/۲۱۰)، صبر او در برابر شنیدن سخن ناحق (همان، ح.ش: ۱۴/۱۴۱)، تغییر دادن حکم خدا توسط او مانند دعوت به شرک بر خدا (همان، ح.ش: ۱/۱۵۸، ۳/۱۶۰).

۳. ۱. ۲. ۳. **تعامل با عالم:** شامل دوست داشتن اهل علم (همان، ح.ش: ۳/۵۹)، خدمت به عالم (همان، ح.ش: ۶/۷۲)، ضرورت پذیرش نظر او در صورت عدم آگاهی (همان، ح.ش: ۸/۵۴، ۵/۶۵)، ضرورت تقلید (همان، ح.ش: ۲/۱۵۹)، اهمیت حضور عالم در جامعه (همان، ح.ش: ۱/۷۵، ۲/۷۶، ۳/۷۷، ۴/۷۸، ۵/۷۹).



۳. ۲. ۲. ۳. **عالم در**

روایات الصحيح

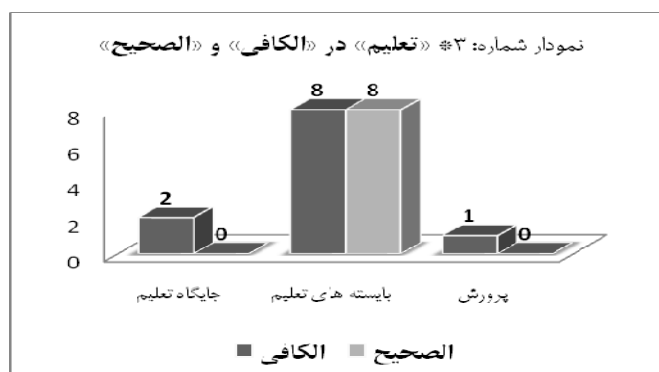
از میان روایات کتاب *العلم بخاری* می‌توان در موضوع جایگاه عالم، تنها این‌که

علما سرمایه و گنجینه‌های جامعه هستند (بخاری، ح.ش: ۱۰۰) را برداشت کرد و در موضوع تعامل با عالم نیز لزوم سکوت نزد عالمان و گوش فرادادن به آن‌ها (همان، ح.ش: ۱۲۱) و قبول قول ایشان (همان، ح.ش: ۱۲۲) را استخراج نمود.

۳. ۳. **گزارش تطبیقی محور تعلیم در کتاب *العلم کافی* و *صحيح بخاری***

۱. ۳. ۳. **تعلیم در روایات الکافی:** در مقوله‌ی آموزش، کلینی ضمن نگاهی از بیرون، روایاتی درباره‌ی جایگاه آموزش دانش گرد آورده است (کلینی، ح.ش: ۳/۶۳، ۲/۶۲). رویکرد به بایسته‌های تعلیم (همان، ح.ش: ۴/۱۱۴، ۳/۱۹۵، ۴/۹۸، ۷/۱۰۵، ۸/۱۰۶، ۳/۹۷، ۴/۹۸، ۱۲/۱۳۹) دسته‌ای دیگر از روایات این محور را تشکیل می‌دهد که برخاسته از نگاه درونی کلینی به این عرصه است. کلینی در این باره سهم پرورش در امر آموزش را نیز در نظر داشته و به گزینش روایاتی در این باره پرداخته است (همان، ح.ش: ۶/۶۶).

بررسی تطبیقی رویکرد فریقین به علم با محوریت کتاب «فضل العلم» کافی و ... ۳۷۵



۳.۲. تعلیم در روایات الصحیح: آنچه از کنار هم قرار دادن نمایه‌های

استخراج‌شده از روایات بخاری در مقوله‌ی آموزش به دست می‌آید، رویکرد صرف ایشان به بایسته‌های آن است که البته این رویکرد ضمن اثبات اهمیتش نزد بخاری حاکی از کم‌اهمیتی پرداختن به سایر حوزه‌های آموزش است.

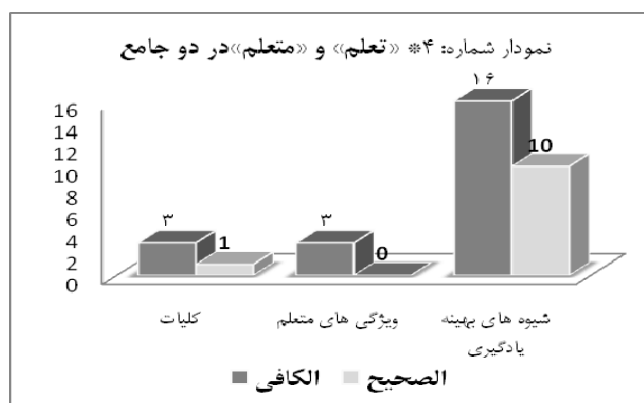
ضرورت همگانی‌شدن علم و آگاهی (بخاری، ح.ش: ۷۹، ۷۳) آموزش بر اساس معلومات مخاطب (همان، ح.ش: ۱۲۷، ۱۲۸ و ۱۲۹)، بشارت‌دادن در امور دین نه بیزارکردن (همان، ح.ش: ۶۹)، پرهیز از وعظ و ارشاد بی‌وقفه و مستمر (همان، ح.ش: ۶۷، ۷۰) بخشی از بایسته‌های مهم آموزش در صحیح بخاری است.

البته شایان ذکر است بخاری در مقوله‌ی آموزش به ذکر برخی روایات دیگر در قالب ابوابی مستقل پرداخته است که به لحاظ اهمیت و وزانت با موضوعات فوق‌الذکر قابل مقایسه نیست؛ از جمله آموختن با صدای بلند (همان، ح.ش: ۶۰ و ۹۶)، تعلیم و وعظ و ارشاد در شب (همان، ح.ش: ۱۱۵، ۱۱۷)، پاسخ‌دادن به سائل پس از اتمام و انعقاد سخن (همان، ح.ش: ۵۹، ۱۱۷)، تعلیم و فتوا در مسجد (همان، ح.ش: ۱۳۳) و... (همان، ح.ش: ۹۷، ۹۸، ۱۳۴).

۳.۴. گزارش تطبیقی محور تعلم و متعلم در کتاب العلم کافی و صحیح بخاری

۳.۴.۱. تعلم و متعلم در روایات کافی: در مقوله‌ی یادگیری و تعلم نیز کلینی

در یک نگاه کلی به ذکر روایاتی در باب اصناف و اهداف متعلم (کلینی، ح.ش: ۵/۱۳۲) و ویژگی‌های آن از جمله تواضع (همان، ح.ش: ۱/۶۷)، بردباری و وقار (همان، ح.ش: ۱/۷۴، ۲/۱۲۹) پرداخته و در زمینه‌ی شیوه‌های بهینه‌ی یادگیری با ذکر روایاتی متعدد در سه موضوع انجام‌دادن گفت‌وگوهای علمی (همان، ح.ش: ۱/۸۶، ۲/۸۷، ۳/۸۸، ۴/۸۹، ۶/۹۱، ۷/۹۲، ۸/۹۳، ۹/۹۴)، سؤال (همان، روایات شماره: ۱/۸۶، ۲/۸۷، ۴/۸۹، ۳/۸۸) و نوشتن



(همان، ح.ش:

۹/۵۱، ۸/۱۵۰

،۱۰/۱۵۲

بر (۱۱/۱۵۳)

تأثیر شگرف

آنها در امر

یادگیری تأکید

فراوان نموده

است.

این که متعلم قبل از یادگیری درس قبلی نباید درس جدید را اخذ کند (همان، ح.ش: ۴/۱۱۴) و در فراگیری علم نیز فراتر از استعداد و حوصله‌اش اقدام نکند (همان، ح.ش: ۷/۱۱۷)، برداشت‌های دیگری است که از روایات این بخش حاصل می‌شود.

۳.۴.۲. تعلّم و متعلم در روایات الصحيح: بخاری نیز در این موضوع به نقل

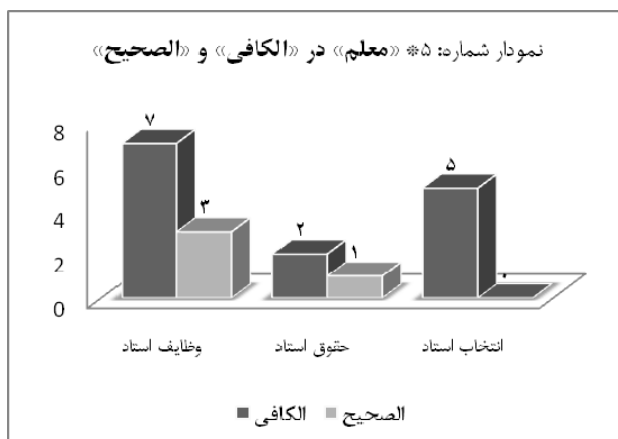
روایتی در باب جایگاه تعلّم (بخاری، ح.ش: ۷۱) پرداخته است و در زمینه‌ی شیوه‌های بهینه‌ی یادگیری با ذکر روایاتی متعدد در سه موضوع تکرار (همان، ح.ش: ۹۳، ۹۴، ۹۵)، سؤال (همان، ح.ش: ۵۹، ۱۳۲، ۱۰۳) و نوشتن (همان، ح.ش: ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴) بر تأثیر شگرف آنها در امر یادگیری تأکید فراوان نموده است.

این که متعلم باید ابتدا زمینه‌ی یادگیری را در درونش ایجاد کند (همان، ح.ش: ۷۹) و نباید در کسب علم و حقیقت شرم داشته باشد (همان، ح.ش: ۱۳۰، ۱۳۱ و ۱۳۲) و حتی برای به دست آوردن آن رنج و خطر سفر را بر خویش تحمیل کند (همان، ح.ش: ۸۸ و ۷۸)، بخش دیگری از روایات این محور است.

البته بخاری دو روایت در موضوع شب‌بیداری برای فراگیری دانش (همان، ح.ش: ۱۱۶ و ۱۱۷) و یک روایت در موضوع تناوب در این باب (همان، ح.ش: ۸۹) نقل نموده است که به نظر می‌رسد این روایات در صدد بیان این برداشت نیستند.

بررسی تطبیقی رویکرد فریقین به علم با محوریت کتاب «فضل العلم» کافی و ... ۳۷۷

۳.۵. گزارش تطبیقی محور معلم در کتاب *العلم کافی* و *الصحيح بخاری*



۳.۵.۱. معلم

در روایات *الکافی*:

آنچه بیش از هر چیز در موضوع استاد در روایات باب *فضل العلم* کلینی به چشم می‌خورد، تأکید بر دقت در انتخاب استاد و اهمیت آن است (کلینی، ح.ش: ۱/۱۱۸،

۷/۵۳، ۲/۴۸، ۲/۶۲، ۸/۱۳۵). در ضمن آن روایاتی با موضوع احترام به معلم (همان، ح.ش: ۵/۶۵) و حقوق استاد بر شاگرد (همان، ح.ش: ۱/۷۴) نیز هست. از سوی دیگر به برخی وظایف استاد در قبال شاگرد اشاره شده است؛ از جمله این که استاد از معلومات خویش به شاگردان (همان، ح.ش: ۷/۱۰۵، ۸/۱۰۶، ۳/۹۷، ۴/۹۸، ۱۲/۱۳۹) دریغ نکند و سطح آن‌ها را در آموزش در نظر بگیرد (همان، ح.ش: ۳/۱۹۵، ۴/۹۸).

۳.۵.۲. معلم در روایات *الصحيح*: بخاری نیز صبر و حوصله‌ی معلم در شنیدن و

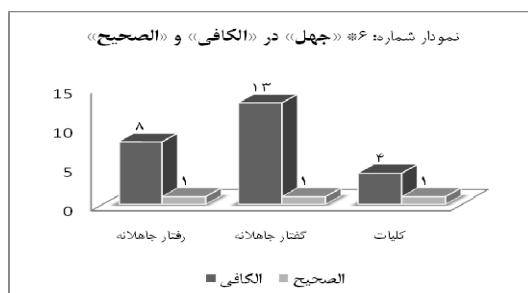
پاسخ‌دادن (بخاری، ح.ش: ۶۳) و ارزیابی متعلمین (همان، ح.ش: ۶۱ و ۶۲) را از وظایف معلم برشمرده و بر احترام به استاد (همان، ح.ش: ۹۳) نیز تأکید نموده است.

۳.۶. گزارش تطبیقی محور جهل در کتاب *العلم کافی* و *الصحيح بخاری*

۳.۶.۱. جهل در روایات *الکافی*: کلینی در کنار پرداختن به موضوع علم و ارکان

آن برای روشن‌شدن بهتر این موضوع و اهمیت آن به ذکر روایاتی در موضوع جهل نیز پرداخته است. با کنار هم گذاشتن این روایات و برخی دیگر از کتاب *فضل العلم* که به صورت ضمنی به موضوع جهل و جاهل پرداخته است، می‌توان به موضوعات و پیام‌های ذیل در محور جهل اشاره کرد:

۱.۱.۶. ویژگی‌های جاهل (کلینی، ح.ش: ۱/۵۷، ۲/۵۸)، جایگاه همنشینی با او



(همان، ح.ش: ۲/۸۲) و بی‌ارزشی ستایش جاهلان (همان، ح.ش: ۱۴/۱۴).

۲.۱.۶.۳. نباید ندانسته اظهار نظر کرد (همان، ح.ش: ۴/۱۰۲، ۵/۱۰۳، ۶/۱۰۴، ۷/۱۰۵، ۸/۱۰۶، ۹/۱۰۷، ۱/۹۹، ۳/۱۰۱).

(۱/۹۹)؛ زیرا در صورت عمل به آن، وزر عمل اشتباه به صاحب نظر برمی‌گردد (همان، ح.ش: ۳/۱۰۱). نیز در صورت ندانستن مسأله‌ای باید اظهار به جهل نمود (همان، ح.ش: ۵/۱۰۳، ۶/۱۰۴)؛ چراکه حق خداوند بر بندگان گفتن دانسته‌ها و نگفتن ندانسته‌هاست (همان، ح.ش: ۱۲/۱۳۹).

۳.۱.۶.۳. نباید با اعتقادات ندانسته و باطل دین‌داری کرد (همان، ح.ش: ۲/۱۰۰، ۱/۹۹). هر کاری را باید با آگاهی انجام داد (همان، ح.ش: ۲/۱۰۹، ۳/۱۱۰، ۱/۸۶) و در صورت ناآگاهی، باید نظر عالم را در آن موضوع پذیرفت (همان، ح.ش: ۸/۵۴، ۵/۶۵) و در رد و قبول آن، نباید اظهار نظر کرد (همان، ح.ش: ۸/۱۰۶).

۲.۶.۲. جهل در روایات/الصحيح: بر اساس روایات نقل‌شده توسط بخاری، اظهار نظر از روی نادانی منجر به گمراهی است (بخاری، ح.ش: ۱۰۰) و غفلت و ناآگاهی در انجام‌دادن تکلیف شرعی (حج) موجب بطلان تکلیف نمی‌شود (همان، ح.ش: ۸۳) و سپردن امور به دست ناهلان نوعی خیانت در امانت است (همان، ح.ش: ۵۹).

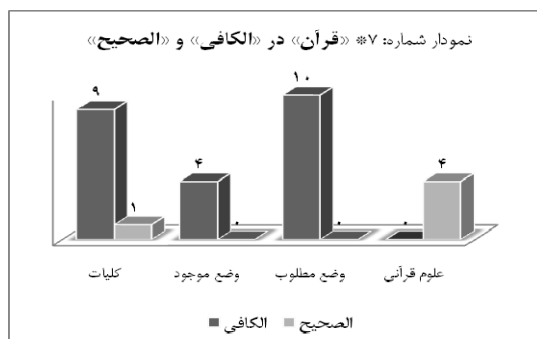
۳.۷. گزارش تطبیقی محور قرآن در کتاب العلم کافی و صحیح بخاری

۱.۷.۱. قرآن در روایات الکافی: با مطالعه‌ی کتاب فضل العلم مرحوم کلینی،

می‌توان دسته‌بندی ذیل را در باب قرآن کریم از میان روایات کتاب ارائه نمود:

۳.۷.۱.۱. وصف قرآن:

همه‌ی حوائج دینی بندگان در قرآن (کلینی، ح.ش: ۱/۱۸۳، ۲/۱۸۴، ۴/۱۸۶، ۵/۱۸۷، ۶/۱۸۸، ۷/۱۸۹، ۸/۱۹۰، ۹/۱۹۱) و سنت



بررسی تطبیقی رویکرد فریقین به علم با محوریت کتاب «فضل العلم» کافی و ... ۳۷۹

(همان، ح.ش: ۱/۱۹۲) موجود است.

۲.۱.۷.۳. **وضع موجود مسلمانان:** بیشتر مردم به ظاهر قرآن می‌پردازند تا به فهم و عمل به آن (همان، ح.ش: ۶/۱۳۳)، در حالی که در قرائت بدون تدبیر هیچ خیر و برکتی نیست (همان، ح.ش: ۳/۶۹-۱، ۳/۶۹) و عالمان به قرآن زیاد و عاملان به آن کم‌اند (همان، ح.ش: ۶/۱۳۳).

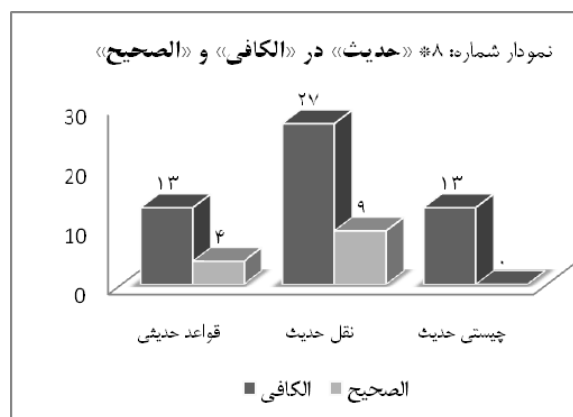
۳.۱.۷.۳. **وضع مطلوب مسلمانان:** باید به اهل بیت (همان، ح.ش: ۱۰/۱۳۷) در مقام عالمان قرآن (همان، ح.ش: ۵/۱۸۷، ۷/۱۸۹، ۸/۱۹۰، ۹/۱۹۱، ۱/۱۹۲، ۱/۱۹۳) و تفسیر به رأی نکردن قرآن کریم (همان، ح.ش: ۴/۱۰۲) و نپرداختن به امور مشتبه (همان، ح.ش: ۹/۱۳۶، ۱۰/۲۰۲) رجوع کرد.

۴.۱.۷.۳. در موضوع علوم قرآنی همان، طور که در نمودار ۷ مشخص است، روایتی در کافی ذکر نشده است.

۲.۷.۳. **قرآن در روایات الصحیح:** از میان روایات بخاری در کتاب العلم وی می‌توان فقط به روایتی در باب اهمیت علم به قرآن (بخاری، همان، ح.ش: ۷۵) اشاره کرد. البته در چهار روایت نیز به شأن نزول چند آیه (همان، ح.ش: ۷۴، ۷۸، ۱۲۲ و ۱۲۵) و در بیان و توضیح چند باب نیز استناد به آیات قرآن کریم اشاره نموده است (همان، ح.ش: ۱-۶۲، ۶۷).

۳.۸. گزارش تطبیقی محور حدیث در کتاب العلم کافی و صحیح بخاری

۳.۸.۱. **حدیث در روایات الکافی:** مرحوم کلینی هم به صورت مستقل در قالب چهار باب^۴ و هم به صورت ضمنی در خلال مباحث کتاب به این موضوع مهم پرداخته است. در یک نگاه کلی می‌توان نمایه‌های حدیث را به سه دسته به شرح ذیل تقسیم نمود:



۳.۸.۱.۱.

چیستی حدیث:

شامل الهی بودن احادیث و سخنان اهل بیت (کلینی، ح.ش: ۵/۱۶۵، ۱۴/۱۵۶)، لزوم تبعیت از امام (همان، ح.ش: ۴/۱۹۶، ۵/۱۹۷، ۶/۱۹۸).

(۷/۱۹۹)، موافقت با سنت مهم‌ترین شرط قبول هر قول و فعل و نیت (همان، ح.ش:

۳۸۰ مجموعه مقالات نخستین همایش اهل بیت (ع) و تولید علم

۱۰/۲۱۲، ۱۱/۲۱۳، ۹/۲۱۱، حجیت و اجزای قول معصوم، مخالفت با قرآن و سنت برابر با کفر است (همان، ح.ش: ۶/۲۰۸، ۱۰/۱۷۰) و سنت شامل واجب و مستحب است (همان، ح.ش: ۱۲/۲۱۴).

۳. ۱. ۸. ۲. نقل حدیث: شامل توصیه و تأکید به حفظ (همان، ح.ش: ۷/۱۳۴) و نقل حدیث (همان، ح.ش: ۸/۹۳، ۶/۱۴۸، ۱۵/۱۵۷)، موافقت با قرآن (همان، ح.ش: ۱/۲۰۳، ۲/۲۰۴، ۳/۲۰۵، ۴/۲۰۶، ۵/۲۰۷، ۶/۲۰۸) و سنت رسول الله (همان، ح.ش: ۲/۲۰۴، ۳/۲۰۵، ۶/۲۰۸، ۷/۲۰۹، ۱۰/۲۱۱)، امانت‌داری در نقل حدیث (همان، ح.ش: ۱/۱۴۳، ۲/۱۴۴، ۳/۱۴۵، ۴/۱۴۶)، درست تلفظ کردن احادیث (همان، ح.ش: ۱۳/۱۵۵)، مختصر خواندن روایت نزد مردم (همان، ح.ش: ۵/۱۴۷)، تأکید بر ذکر سند حدیث (همان، ح.ش: ۷/۱۴۹، ۱۲/۱۵۴)، نهی بر دروغ بستن بر خداوند (همان، ح.ش: ۸/۱۰۶)، اصناف رواات حدیث از پیامبر (همان، ح.ش: ۱/۱۹۳)، هدف از نقل آن، هدایت و استواری قلوب شیعیان (همان، ح.ش: ۱۰/۵۶) و منزلت راوی (همان، ح.ش: ۱۳/۱۴۰).

۳. ۱. ۸. ۳. قواعد حدیث: شامل جواز توضیح و تفسیر حدیث (همان، ح.ش: ۲/۱۴۴، ۳/۱۴۵)، احادیث تقیه و مغایرت روایات با یکدیگر (همان، ح.ش: ۵/۱۹۷، ۶/۱۹۸، ۷/۱۹۹)، نسخ در احادیث (همان، ح.ش: ۲/۱۹۴، ۳/۱۹۵، ۸/۲۰۰، ۹/۲۰۱، ۱/۱۹۳) و ملاک‌های گزینش دو حدیث معارض (همان، ح.ش: ۱۰/۲۰۲، ۲/۲۰۴، ۷/۱۹۹).

۳. ۲. ۸. ۲. حدیث در روایات الصحیح: روایات و توضیحات بخاری را نیز در باب حدیث به دو دسته‌ی ذیل می‌توان تقسیم نمود:

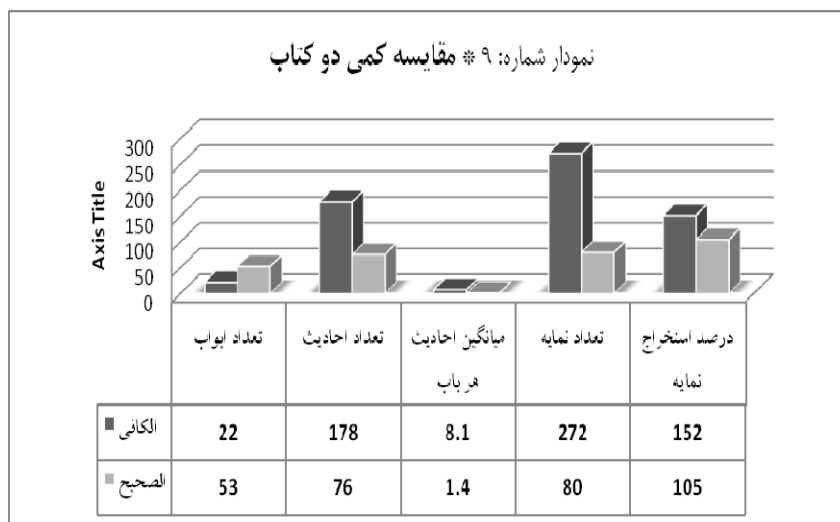
۳. ۱. ۲. ۸. ۱. نقل حدیث: شامل جواز نقل حدیث از نبی (بخاری، ح.ش: ۱۰۴ و ۱۰۵، ۶۷، ۱۲۸) و نهی کردن از دروغ بستن به پیامبر (همان، ح.ش: ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۰۸) و (۱۱۰).

۳. ۲. ۲. ۸. ۲. قواعد حدیث: شامل قرائت و عرض بر محدث (همان، ح.ش: ۱-۶۲ و ۲-۶۲)، مناو له (همان، ح.ش: ۱-۶۳)، جواز استعمال حَدَّثَنِی هم در شنیدن و هم خواندن بر عالم (همان، ح.ش: ۲-۶۲).

۴. تحلیل نهایی

پس از تبیین و گزارش نقاط اشتراک و افتراق رویکرد دو محدث از خلال روایات منتخب ایشان، با نگاه به چگونگی‌های روایات در نمایه‌های تعیین شده، در دو بخش، به مقایسه‌ی کمی و کیفی دو کتاب پرداخته می‌شود:

۱.۴. مقایسه کمی دو کتاب



همان طور که در نمودار شماره ۹ قابل مشاهده است، مرحوم کافی در ذیل کتاب *فضل العلم* به ذکر ۱۷۸ روایت پرداخته است، حال آن که در صحیح بخاری ذیل کتاب *العلم* ۷۶ روایت نقل شده است. اگرچه می توان این اختلاف را دلیل روشنی بر پرداختن و توجه بیشتر پیشوایان شیعه به مقوله ی علم و بالتبع غنای بیشتر معارف شیعی در این باب دانست، آنچه در ادامه مقایسه ی کمی است، فارغ از این تفاوت کمی و با رعایت نسبت تعداد کل روایات منقول در هر کتاب گزارش شده است:

۱. پر محتوایی روایات کافی: برابر نمودار ذیل، نگارنده توانسته است از ۱۷۸ روایت منقول در کتاب کافی ۲۷۲ نمایه استخراج نماید، در حالی که از ۷۶ روایت منقول در صحیح بخاری ۸۰ نمایه استخراج کرده است که این امر حاکی از برتری تقریباً پنجگانه درصدی امکان دریافت آموزه های دینی از روایات کافی است؛

۲. کثرت روایات کافی ذیل هر باب: به طور میانگین در کتاب کافی ذیل هر باب تعداد هشت و یک دهم روایت نقل شده، حال آن که در صحیح بخاری تعداد یک و چهار دهم روایت نقل شده است که حاکی از جامعیت حدود پنج و نیم برابری ابواب کافی نسبت به صحیح بخاری است.

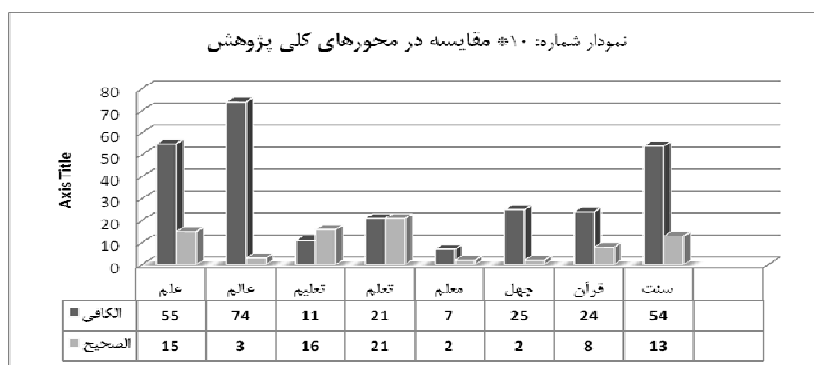
شایان ذکر است با مقایسه ی تعداد ابواب دو کتاب با تعداد مجموع احادیث نقل شده در آن ها از یک سو و نظر به عناوین باب ها و احادیث نقل شده ذیل هر باب در سراسر کتاب از سوی دیگر می توان نتیجه گرفت که تلقی بخاری از اصطلاح باب کاملاً متفاوت از تلقی کلینی است؛ برای مثال در موضوع تعلیم، بخاری در قالب شش باب^۵ به ذکر ۹ حدیث

۳۸۲ مجموعه مقالات نخستین همایش اهل بیت (ع) و تولید علم

پرداخته است که به نظر می‌رسد به راحتی امکان آوردن ۹ حدیث با عنوان یک باب وجود دارد. از طرف دیگر باید گفت در شماری از باب‌ها بخاری نوعاً به ذکر فقط یک روایت در قالب یک باب اکتفا نموده که به نظر می‌رسد در بسیاری از موارد، موضوع آن روایت در حد اختصاص عنوان یک باب مستقل نیست؛ در صورتی که در کتاب کافی (همان طور که از نمودار هم برمی‌آید) اولاً ذیل هر باب تعداد قابل توجهی روایات مرتبط ذکر شده؛ ثانیاً با توجه به کمی ابواب از اختصاص باب‌های کم‌اهمیت پرهیز شده است.

۲.۴. مقایسه‌ی محتوایی دو کتاب

۱.۲.۴. مقایسه در محورهای کلی پژوهش

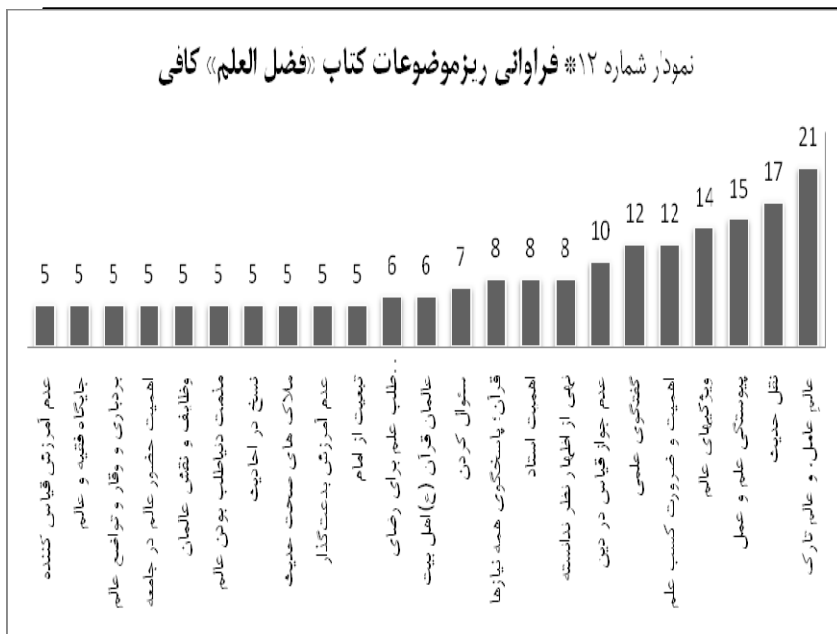


با در نظر گرفتن نسبت^۷ موجود بین روایات دو کتاب و حساب همان نسبت، در فراوانی احادیثِ محورهای فوق می‌توان به نتایج ذیل دست یافت:

۱.۱.۲.۴. بر اساس گزینش کلینی، مهم‌ترین محوری که اهل بیت در موضوع علم بیش از سایر محورها بر آن اهمیت قائل شده و در مورد آن بیشتر سخن گفته‌اند، عالم است. بعد از آن می‌توان به ترتیب از محورهای علم و سنت یاد کرد؛ بر خلاف صحیح بخاری که تقریباً محور عالم را نادیده گرفته و نسبت به دو محور علم و سنت نیز با در نظر گرفتن نسبت، متجاوز از پنجاه درصد، کمتر از کافی به آن پرداخته است.

۲.۱.۲.۴. در مقابل، بر اساس گزینش بخاری، مهم‌ترین محور مورد تأکید پیامبر اکرم (ص) و صحابه تعلم و در مرحله‌ی بعد تعلیم است. علی‌رغم برابری تعداد احادیث کافی با صحیح بخاری در محور تعلم و فزونی کافی از صحیح بخاری در محور تعلیم (با در نظر گرفتن نسبت یادشده) می‌توان گفت که این دو محور بیشتر از کافی مورد تأکید صحیح بخاری بوده است.

۳.۱.۲.۴. از باب تعرف الاشياء باضدادها، کلینی به تفصیل به موضوع جهل پرداخته؛ اما بخاری به آن نپرداخته است.



۴. به دلیل محدودیت نمودار، به ریزموضوعاتی که کمتر از پنج بار در کافی به آن پرداخته شده، اشاره نشده است؛ اما با اندک تأمل در آن می‌توان به این نتیجه رسید که مهم‌ترین دغدغه‌ی کتاب *فضل العلم* کافی عامل بودن عالم و پس از آن شیوه‌های حدیث‌گویی و آداب نقل آن است. با نگاهی به سراسر باب می‌توان به مذمت قیاس و بدعت به مانند یکی از دغدغه‌های عصر ائمه و زمان کلینی پی برد.

۳.۴. تحلیل صحیح بخاری از منظر کتاب *العلم*

با مطالعه و مقایسه‌ی دو کتاب و با تأکید بر حفظ بی‌طرفی به وضوح می‌توان به نتایج ذیل در صحیح بخاری دست یافت:

۱. در کتاب *العلم* بخاری پیوندی جدی بین بعضی احادیث با عنوان بابشان مشاهده نمی‌شود. برای مثال می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره نمود:

۱. ذیل باب مَا كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَتَخَوَّلُهُمْ بِالْمَوْعِظَةِ وَالْعِلْمِ كَيْ لَا يَنْفِرُوا، روایت ...عَنْ النَّبِيِّ (ص) قَالَ يَسْرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا وَبَشَرُوا وَلَا تُنْفِرُوا (بخاری، ح.ش: ۶۹)؛

۲. ذیل باب الْفَهْمِ فِي الْعِلْمِ، روایت ...قَالَ كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ (ص) فَأَتَى بِجِمَارٍ فَقَالَ إِنَّ مِنْ الشَّجَرِ شَجْرَةً مِثْلَهَا كَمَثَلِ الْمُسْلِمِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَقُولَ هِيَ النَّخْلَةُ فَإِذَا أَنَا أَصْغَرُ الْقَوْمِ فَسَكَتُ قَالَ النَّبِيُّ (ص) هِيَ النَّخْلَةُ (بخاری، ح.ش: ۷۲)؛

۳. ذیل باب مَتَى يَصِحُّ سَمَاعُ الصَّغِيرِ، روایت ...عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ أَقْبَلْتُ رَاكِبًا عَلَى جِمَارٍ أَتَانِ وَأَنَا يَوْمَئِذٍ قَدْ نَاهَزْتُ لِاخْتِلَامِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) يُصَلِّي بِمَنْئَى إِلَيَّ غَيْرِ

بررسی تطبیقی رویکرد فریقین به علم با محوریت کتاب «فضل العلم» کافی و ... ۳۸۵

جِدَارٍ فَمَرَزَتْ بَيْنَ يَدَيْ بَعْضِ الصَّفِّ وَأُرْسَلَتْ الْأَتَانُ تَرْتَعُ قَدَحَلْتُ فِي الصَّفِّ فَلَمْ يُنْكَرْ ذَلِكَ عَلَيَّ (همان، ح.ش: ۷۶)؛

و روایت عن مَحْمُودِ بْنِ الرَّبِيعِ قَالَ عَقَلْتُ مِنَ النَّبِيِّ (ص) مَجَّةً مَجَّهَا فِي وَجْهِهِ وَأَنَا ابْنُ خَمْسِ سِنِينَ مِنْ دَلْوٍ (همان، ح.ش: ۷۷)؛

۴. ذیل باب فَضْلِ الْعِلْمِ، روایت ... ابْنِ عُمَرَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ بَيْنَا أَنَا نَائِمٌ أُتِيتُ بِقَدَحٍ لَبَنٍ فَشَرِبْتُ حَتَّى إِتَى لَأَرَى الرَّيَّ يَخْرُجُ فِي أَطْفَارِي ثُمَّ أُعْطِيتُ فَضْلِي عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالُوا فَمَا أَوْلَتْهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْعِلْمُ (همان، ح.ش: ۸۲)؛

۵. ذیل باب السَّمْرِ فِي الْعِلْمِ، روایت ... عَبْدَ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ قَالَ صَلَّى بِنَا النَّبِيِّ (ص) الْعِشَاءَ فِي آخِرِ حَيَاتِهِ فَلَمَّا سَلَّمَ قَامَ فَقَالَ أَرَأَيْتَكُمْ لَيْلَتَكُمْ هَذِهِ فَإِنْ رَأَسَ مِائَةَ سَنَةٍ مِنْهَا لَأَبِئْتِي مِمَّنْ هُوَ عَلَيَّ ظَهْرُ الْأَرْضِ أَحَدٌ (همان، ح.ش: ۱۱۶)

و روایت عن ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ بَتُّ فِي بَيْتِ خَالَتِي مَيْمُونَةَ بِنْتِ الْحَارِثِ زَوْجِ النَّبِيِّ (ص) وَكَانَ النَّبِيُّ (ص) عِنْدَهَا فِي لَيْلَتِهَا فَصَلَّى النَّبِيُّ (ص) الْعِشَاءَ ثُمَّ جَاءَ إِلَى مَنْزِلِهِ فَصَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ نَامَ ثُمَّ قَامَ ثُمَّ قَالَ نَامَ الْغُلَيْمُ أَوْ كَلِمَةً تُشْبِهُهَا ثُمَّ قَامَ فَفُتُّ عَنْ يَسَارِهِ فَجَعَلَنِي عَنْ يَمِينِهِ فَصَلَّى خَمْسَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ نَامَ حَتَّى سَمِعْتُ غَطِيطَهُ أَوْ خَطِيطَهُ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى الصَّلَاةِ (همان، ح.ش: ۱۱۷)؛

۶. ذیل باب مَنْ سَأَلَ وَهُوَ قَائِمٌ عَالِمًا جَالِسًا، روایت ... جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْقِتَالُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ أَحَدْنَا يُقَاتِلُ غَضَبًا وَيُقَاتِلُ حَمِيَّةً فَرَفَعَ إِلَيْهِ رَأْسَهُ قَالَ وَمَا رَفَعَ إِلَيْهِ رَأْسَهُ إِلَّا أَنَّهُ كَانَ قَائِمًا فَقَالَ مَنْ قَاتَلَ لِيَتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (همان، ح.ش: ۱۲۳).

۲. گاه بخاری، با توجه به احادیثی که ذیل عنوان باب آورده است، عنوان مناسبی برای باب انتخاب نکرده است و در اکثر آن موارد برخی اتفاقات که در ضمن نقل حدیث گزارش شده است، یک اصل در عنوان باب گنجانده شده است؛ مانند: باب الْفُتْيَا وَهُوَ وَقِفٌ عَلَى الدَّائِبَةِ وَغَيْرِهَا، باب الْعِلْمِ وَالْعِظَّةُ بِاللَّيْلِ، باب السَّمْرِ فِي الْعِلْمِ، باب الرَّحْلَةِ فِي الْمَسْأَلَةِ النَّازِلَةِ وَتَعْلِيمِ أَهْلِهِ، باب تَعْلِيمِ الرَّجُلِ أُمَّتَهُ وَأَهْلَهُ، باب كَيْفَ يُفْبِضُ الْعِلْمُ.

۳. در یک نگاه سراسری به کل باب‌های کتاب/علم بخاری، بعضی باب‌ها در مقایسه با سایر باب‌ها به لحاظ موضوعیت و اهمیت نامتجانس است؛ یعنی دارای عناوین بسیار جزئی و موضوعات بعضاً منحصر به فردی است که در مقایسه با سایر عناوین باب‌های کتاب چهره‌ای نامتجانس را نمایش می‌دهد؛ مانند باب‌های تَحْرِيزِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَفَدَّ عَبْدُ الْقَيْسِ عَلَى أَنْ يَحْفَظُوا الْإِيمَانَ وَالْعِلْمَ وَيُخْبِرُوا مَنْ وَرَاءَهُمْ، مَنْ رَفَعَ صَوْتَهُ بِالْعِلْمِ، باب لِيُبَلِّغَ الْعِلْمَ الشَّاهِدُ الْعَائِبَ، باب الْفُتْيَا وَهُوَ وَقِفٌ عَلَى الدَّائِبَةِ وَغَيْرِهَا، باب ذِكْرِ الْعِلْمِ وَالْفُتْيَا

فِي الْمَسْجِدِ، بَاب مَنْ اسْتَحْيَا فَأَمَرَ غَيْرَهُ بِالسُّؤَالِ، بَاب قَوْلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَبِّ مُبَلِّغٍ أَوْعَى مِنْ سَامِعٍ، بَاب مَنْ أَجَابَ الْفُتْيَا بِإِشَارَةِ الْيَدِ وَالرَّأْسِ، بَاب مَنْ أَعَادَ الْحَدِيثَ ثَلَاثًا لِيُفْهَمَ عَنْهُ، بَاب هَلْ يُجْعَلُ لِلنِّسَاءِ يَوْمٌ عَلَى حِدَّةٍ فِي الْعِلْمِ.

البته با مقایسه‌ی باب‌های دو کتاب این نتیجه به دست می‌آید که واژه‌ی باب در دو جامع به یک اعتبار به کار نرفته است و مراد بخاری از باب متفاوت از مراد کلینی است؛ زیرا موضوعات و احادیث نقل‌شده ذیل هر باب در کافی، نوعاً هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی، چند برابر هر باب صحیح بخاری است و بخاری در اکثر موارد به یک یا چند روایت مانند هم بابی را (حتی با استفاده از واژه‌های موجود در روایت) با همان عنوان اختصاص داده است.

۴. گاه بخاری صرفاً به بیان نکات و استنباطات خویش و استدلال در مورد باب پرداخته است و ظاهراً روایتی مطابق با آن نیافته است و در بعضی موارد نیز تنها به نقل آیاتی در آن اکتفا نموده است؛ مانند: بَاب فَضْلِ الْعِلْمِ، بَاب قَوْلِ الْمُحَدِّثِ حَدَّثْنَا أَوْ أَخْبَرَنَا وَأَنْبَأَنَا.

۵. باب‌هایی در کتاب هست که بخاری در آن به ذکر روایتی پرداخته که به نظر می‌رسد استنتاج وی از روایت و تعمیم آن همچون یک اصل فراگیر و گنجاندن آن در قالب یک باب صحیح نباشد؛ مانند باب التَّنَاوُبِ فِي الْعِلْمِ. روایتی که ذیل این باب نقل شده، حاکی از قراری است که بین عمر بن خطاب و یکی از همسایگان انصاری وی وجود داشته که چون در اطراف مدینه سکونت داشتند، هر یک به نوبت و روز در میان به محضر رسول الله (ص) حاضر می‌شدند و آن فرد اخبار وحی و وقایع آن روز را به اطلاع دیگری می‌رسانده است. جناب بخاری ظاهراً این اتفاق را یک اصل تلقی نموده و در قالب یک باب، بحث گردش نوبتی در علم را مطرح نموده است (همان، ح. ۸۹).

۶. در کتاب *العلم* بخاری احادیث متعددی هست که به مناسبت‌های مختلف ذیل ابواب گوناگون تکرار شده‌اند؛ مانند احادیث شماره‌ی ۶۰ و ۹۶، احادیث ۶۱ و ۶۲ و ۶۵ و احادیث ۷۴ و ۷۸ و ۱۲۲.

۷. بخش قابل توجهی از روایات بخاری از نظر فقه الحدیث و به لحاظ ژرفای معانی دارای تناسب شأنی و مفهومی مانند سایر روایات نیستند (نک: احادیث شماره‌ی ۶۰ - ۶۵ - ۸۲ - ۹۸ - ۱۱۷ - ۱۱۸). برخی از دلایلی که می‌توان همچون عواملی مؤثر در حصول این نتیجه از آن‌ها یاد کرد، به شرح ذیل می‌باشد:

۱. نقل از صحابه: در بسیاری از موارد، بخاری حدیث را به زبان صحابی و در قالب

گزارش ذکر کرده است؛

بررسی تطبیقی رویکرد فریقین به علم با محوریت کتاب «فضل العلم» کافی و ... ۳۸۷

۲. نقل به معنا: به دلیل نقل از صحابه و موضوعیت یافتن منقولات ایشان، نوعاً این دسته از روایات، نقل به معنا شده است.

۸. به نظر می‌رسد یکی از ضعف‌های کتاب صحیح بخاری ترسیم نادرست چهره و شخصیت محبوب و معصوم پیامبر اسلام (ص) است که بی‌تردید در نظر خواننده بین گزارش‌هایی که در دل روایات کتاب *العلم بخاری* از سیره‌ی وی شده است، با دانسته‌هایش درباره‌ی مقام والای آن حضرت (برای مثال به تصریح قرآن کریم (وَإِنكَلَعَلِي خُلِقَ عَظِيمٍ) (القلم، ۴) است) قابل جمع نیست. بر اساس روایتی در کتاب *العلم صحیح بخاری*، پیامبر (ص) فردی است که در برابر سؤال بی‌جا زود عصبانی می‌شوند؛ به نحوی که رنگ رخساره‌اش دگرگون گشته و به نحو عتاب‌آمیزی پاسخ سائل را می‌دهد (همان، ح.ش: ۹۱) یا طبق روایتی دیگر حضرت در برابر سؤالات ناخوشایند خشمگین می‌شود (همان، ح.ش: ۹۲).

در جای دیگر و در بیان احکام حج به تصریح راوی در حدیث، هر کس هر حکمی را پس و پیش نموده بود و از رسول الله درباره‌اش سؤال می‌کرد، وی در جواب می‌فرمود: انجام بده و اشکالی ندارد (همان، ح.ش: ۸۳، ۸۴، ۱۲۴)؛ با فرض این‌که اصل ماجرا صحیح باشد، نوع گزارش با این اطلاق کلام به نظر صحیح نمی‌رسد.

از جمله روایات دیگر که با عنایت به شخصیت حضرت، برای نگارنده پذیرش بسیار سخت است، روایتی از محمود بن ربیع است که نقل می‌کند: به خوبی یاد دارم زمانی که من پنج ساله بودم. رسول الله اندکی آب از دلوی برداشت و پس از زمزمه، آب‌ها را بر چهره‌ی من پاشید (همان، ح.ش: ۷۷)!

۹. بخاری با این‌که دست‌کم با دو تن از ائمه‌ی معصومین (امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع)) معاصر بوده، از طریق امامان شیعه و فرزندان آنان نقل قابل توجهی نکرده است. برای مثال در کتاب *العلم بخاری*، سهم اهل بیت پیامبر از نقل روایت فقط سه روایت از حضرت امیر (ع) است که در نقل یکی از آن‌ها، با کیاستی مغرضانه، پس از ذکر احادیثی در مذمت حیانمودن در امر دانش‌اندوزی با عنوان باب *الْحَيَاءِ فِي الْعِلْمِ*، به نقل روایتی از حضرت امیر (ع) ذیل عنوان باب *مَنْ اسْتَحْيَا فَأَمَرَ غَيْرَهُ بِالسُّؤَالِ* می‌پردازد که در آن حضرت بر خلاف مضمون احادیث باب قبلی حیا نموده است. ضمن این‌که طرح آن سؤال^۸ نیز اصلاً در شأن حضرت نیست. این در حالی است که بخاری بیشترین نقل روایت را در کتاب *العلم* از ابوهریره دارد و پس از آن از عبدالله بن عمر؛ به نحوی که از جمع ۷۶ روایت این کتاب، یازده روایت از طریق ابوهریره (همان، ح.ش: ۵۹، ۶۰-۱، ۸۵، ۹۹، ۱۰۲،

۳۸۸ مجموعه مقالات نخستین همایش اهل بیت (ع) و تولید علم

۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰) و ده روایت از طریق عبدالله (همان، ح.ش: ۶۰، ۶۱، ۶۲-۱، ۶۳، ۸۲، ۹۳-۱، ۹۶، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴) نقل شده است.

شایان ذکر است بر اساس پژوهش‌های دیگری که در همین زمینه انجام شده است، سایر روایات کتاب صحیح بخاری نیز همین نتیجه را در بردارد (نک: الهامی، ۱۳۸۱، مدخل بخاری، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج: ۱۱، ص: ۳۸۱).

۱۰. بخاری به نقل برخی روایات و اثبات برخی فضیلت‌ها برای برخی افراد از جمله خلفا اصرار نشان داده است (بخاری، ح.ش: ۸۲، ۹۳).

۴.۴. تحلیل کتاب کافی از منظر کتاب فضل العلم کلینی

با وجود این که در بند ۴.۳ بر بی‌طرفی در این پژوهش تأکید شد، با توجه به نتایج مقایسه بین دو کتاب در این جا مجدداً بر این امر تأکید می‌گردد که سعی نگارنده بر آن بوده است که در سراسر این پژوهش، بی‌طرفانه به تحلیل و قضاوت میان دو کتاب بپردازد و با همان نگاهی که به کتاب صحیح بخاری شده است، دقیقاً کتاب کافی کلینی نیز مورد مذاقه قرار گیرد و نتایج قوت و ضعف هر یک با دیگری مقایسه و گزارش شود؛ لذا در این باره باید اظهار داشت در این قیاس بر اساس ملاک‌های یکسان، حداقل، نگارنده به ضعف قابل ذکری در کافی کلینی در مقایسه با صحیح بخاری برنخورده است. در ادامه به برخی از ویژگی‌های کافی اجمالاً اشاره می‌گردد که صحیح بخاری فاقد آن است:

۴.۴.۱. **پرهیز از نقل به معنا:** بررسی‌ها در کتاب فضل العلم حاکی از آن است که بر خلاف کتاب العلم بخاری، روایات با این که چند برابر صحیح بخاری است، از انسجام و تناسب شأنی و مفهومی تقریباً یکسانی برخوردار است؛ به نحوی که نوعاً خواننده را به این موضوع رهنمون می‌سازد که این سخنان از مصدری واحد و متفاوت از سطح عامه‌ی مردم صادر شده است. این ویژگی که کمتر نقل به معنا صورت گرفته و نوعاً روایات از وحدت محتوایی برخوردار است، مؤید همین مطلب است.

۴.۴.۲. **تبویب نسبتاً دقیق:** با آن که روایات کافی در کتاب فضل العلم چند برابر صحیح بخاری است، ابواب آن دارای چینش قابل تحسینی است؛ به نحوی که در آن، حدیثی که در غیر باب خود ذکر شده باشد یا بایی که در غیر کتاب مربوط به خود آمده باشد، وجود ندارد.

۴.۴.۳. **چینش روایات، متناسب با عنوان باب:** دقت در روایات کتاب العلم حاکی از توجه کلینی به رعایت دو اصل صحت و صراحت حدیث در موضوع باب است. در واقع عناوین ابواب کتاب العلم کافی به خوبی به مفاد روایات و روح حاکم بر آن‌ها اشاره کرده است.

بررسی تطبیقی رویکرد فریقین به علم با محوریت کتاب «فضل العلم» کافی و ... ۳۸۹

۴.۴.۴. جامعیت نسبی کافی: مروری بر کتاب *العلم* همچون مدل کوچک‌شده‌ای از کتاب کافی، جامعیت نسبی آن در گزینش روایات در عرصه‌های مختلف دین را نشان می‌دهد. شاید بتوان این نکته را ویژگی خاص کافی در میان سایر جوامع حدیث شیعه و اهل سنت دانست.

یادداشت‌ها

۱. پژوهش‌هایی که برخوردار از فرآیندی استقرائی است و بر آن است تا نظریه را از دل داده‌هایی که در فرایند پژوهش به صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند، استخراج کند. در این پژوهش‌ها، به جای تکیه بر تحقیقات پیشین یا چارچوب‌های نظری موجود، به تحلیل سیستمی مستقیم روی داده‌های جمع‌آوری شده می‌پردازند.
۲. «خداوند در آغاز هر قرن شخصی را برمی‌انگیزد که دین او را زنده نگه دارد. احیاکننده‌ی مذهب شیعه در آغاز قرن اول محمد بن علی امام باقر (ع)، در ابتدای قرن دوم علی بن موسی امام رضا (ع)، در ابتدای قرن سوم ابوجعفر محمد بن یعقوب رازی بوده است».
۳. بخاری خود به انگیزه‌ی تألیف صحیح اشاره کرده و می‌گوید: «کُنَّا عِنْدَ اسْحَاقَ بْنِ رَاهُوَيْهٍ فَقَالَ: لَوْ جَمَعْتُمْ كِتَابًا مَخْتَصِرًا لَصَحِيحِ سَنَةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؟ قَالَ: فَوْقَ ذَلِكَ فِي قَلْبِي، فَأَخَذْتُ فِي جَمْعِ الْجَامِعِ الصَّحِيحِ» (مقدمه).
۴. شامل ۱. باب اخذ به سنت، گواه قرآنی؛ ۲. باب اختلاف حدیث؛ ۳. باب رجوع به کتاب، سنت...؛ ۴. باب روایت کتب، حدیث، فضل نوشتن، اخذ به کتب.
۵. بَابُ تَعْلِيمِ الرَّجُلِ أُمَّتَهُ وَأَهْلَهُ، بَابُ عِظَةِ الْإِمَامِ النِّسَاءِ وَتَعْلِيمِهِنَّ، بَابُ هَلْ يُجْعَلُ لِلنِّسَاءِ يَوْمَ عِلِّيِّ حِدَّةٌ فِي الْعِلْمِ، بَابُ الْعِلْمِ وَالْعِظَةَ بِاللَّيْلِ، بَابُ التَّنَاوُبِ فِي الْعِلْمِ، بَابُ الْعُضْبِ فِي الْمَوْعِظَةِ وَالتَّعْلِيمِ إِذَا رَأَى مَا يَكْرَهُ.
۶. نک: بَابُ الْفُتْيَا وَهُوَ وَاقِفٌ عَلَى الدَّائِبَةِ وَعَبْرَهَا، بَابُ مَنْ أَجَابَ الْفُتْيَا بِإِشَارَةِ الْيَدِ وَالرَّأْسِ.
۷. بر اساس نمودار شماره‌ی ۹، تعداد روایات باب علم کافی نزدیک به ۲.۳ (دو و سه دهم) برابر تعداد روایات صحیح بخاری است.
۸. ... عَنْ عَلِيٍّ قَالَ كُنْتُ رَجُلًا مَدَّأً فَأَمَرْتُ الْمُقَدَّادَ بْنَ الْأَسْوَدِ أَنْ يَسْأَلَ النَّبِيَّ (ص) فَسَأَلَهُ فَقَالَ فِيهِ الْوُضُوءُ (بخاری، ح.ش: ۱۳۲).

منابع

۱. قرآن کریم.

۲. ابن ابی یعلی، (بی‌تا)، *طبقات الحنابلة*، بیروت: دارالمعرفة.

۳۹۰ مجموعه مقالات نخستین همایش اهل بیت(ع) و تولید علم

۳. ابن الأثیر، (بی تا)، **جامع الأصول فی أحادیث الرسول**، بتحقیق عبدالقادر الأرناؤوط، مکتبه الحلوانی؛ مطبعة الملاح؛ مکتبه دار البیان.
۴. عسقلانی، ابن حجر، (۱۴۱۸)، **هدی الساری مقدمه فتح الباری شرح صحیح البخاری**، ریاض: مکتبه دار السلام.
۵. بخاری، ابوعبدالله محمد، (۱۴۲۲)، **صحیح البخاری**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. پاکتچی، احمد، (بی تا)، **دانشنامه ی جهان اسلام**.
۷. العمیدی، ثامر هاشم حبیب، (۱۴۱۴)، **الشیخ الكلینی البغدادی و کتابه الکافی**، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۸. قاسمی، جمال الدین، (۱۴۱۲)، **حیاه البخاری**، بتحقیق محمود الارناؤوط، بیروت: دار النفاثس.
۹. خویی، (۱۴۰۹)، **معجم رجال الحدیث**، بیروت: دار الزهراء.
۱۰. الهامی، داود و رضا هاشمی، (۱۳۸۱)، **دائرة المعارف بزرگ اسلامی**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۱. کلینی، (۱۳۸۷)، **الکافی**، قم: دارالحدیث.
۱۲. معارف، مجید، (۱۳۸۵)، **جوامع حدیث اهل سنت**، تهران: سمت؛ دانشکده ی علوم حدیث.
۱۴. النجاشی، (۱۴۰۸)، **الرجال**، بتحقیق محمدجواد نائینی، بیروت: دار الاضواء.